

دبیر کمیته کردستان محمد آنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

تلفن تماس با ما  
Tel: 0046720077654

# ایسکرا ۶۷۵

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

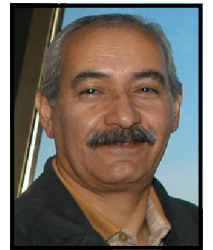
نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۲، ۱۵ مه ۲۰۱۳

سرمدییر عبدل کلپریان

## "انتخابات" و اصلاح طلبان جبهه متحد کرد!



عبدل کلپریان

مشترک مبنی بر مشارکت در انتخابات صادر گردد. لیکن بیانیه منتشره به نام "شورای هماهنگی اصلاح طلبان کرد" و "جبهه متحد کرد" بدون تأیید محتوای آن از جانب جبهه متحد کرد منتشر گردیده است. لذا بدینوسیله اعلام می دارد که محتوای بیانیه منتشره با سیاست ها و اهداف جبهه متحد کرد و منافع مردم کرد همخوانی ندارد. جبهه متحد کرد ضمن احترام به قوانین موجود، با نظر مساعد به تحولات ایران نگرسته و خواهان رفع تنش ها و تعامل عمومی در راستای اهداف ملی است. جبهه متحد کرد شاخه تهران".

صفحه ۲

"بیانیه جبهه متحد کرد شاخه تهران در رابطه با بیانیه مشترک با اصلاح طلبان کرد. به اطلاع می رساند که جبهه متحد کرد شاخه تهران در نشست مشترک با اصلاح طلبان کرد در مورد مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری و شوراها گفتگوهائی انجام داد و مقرر گردید که که بیانیه ای

## "انتخابات" خرداد ۹۲، کابوس رژیم اسلامی اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران درباره "انتخابات" خرداد ۹۲



جمهوری اسلامی است. بحرانی که مستقل از "انتخابات" این رژیم را با بود و نبود روبرو کرده است. اهمیت "انتخابات" خرداد ۹۲ نیز به

صفحه ۳

"انتخابات ریاست جمهوری اسلامی" در خرداد ۹۲ به کابوس حکومت و بحرانی در خود برای رژیم تبدیل شده است. دار و دسته های حکومت نگران و مشوش از موقعیت خود در جنگ قدرت دزدها و آینده نظام شان هریک به تک و تا افتاده اند تا بشیوه خود "مهندسی انتخابات" کنند. یکی نعره "فتنه موقوف" سر میدهد و قداره ولایت چرخ میدهد. دیگری باد در "عبای شکلاتی" انداخته تا

## سیرک انتخاباتی رژیم و مردم کردستان!



طه حسینی

اینکه در ایران هر بار مردم را به پای صندوق های رای میکشانند تا از میان دلقک هایی امثال احمدی نژاد یکی را به نام مردم به عنوان رئیس جمهور به جامعه معرفی کنند بر کسی پوشیده نیست. شرکت در انتخابات برای

صفحه ۳

## رانندگان تاکسی در سنندج دست به اعتصاب زدند

صفحه ۲

علی آزادی فعال کارگری در سنندج با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شد

وحید زارع نجات یافت اما تمام زندگی اش اعدام شد

زندگی میلیونها خانواده کارگری چگونه میگذرد / جمیل محمدی

مختصری از تاریخ یک دوره / عبدل کلپریان / بخش هشتم

غالب حسینی فعال کارگری در سنندج با قرار وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی آزاد شد

پی ربطی احزاب و جریانات عشیره ای ناسیونالیست به منافع مردم کردستان / ژینا رئوف

صفحه ۸

## نگاه هفته

مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

نسان نودینیان



خواهی می کند. اما خارج از فشار اجتماعی و رادیکال این جنبشها، "پیام" اسماعیل احمدی مقدم که در فضای مضحکه "انتخابات" انجام میشود خود از نوع های "مهندسی" افکار مردم در شهرهای کردستان است. مقامات ریز و درشت از هر جناح و باند این جنایتکاران در شرایط کنونی می خواهند التهاب سیاسی و نارضایتی های میلیونی مردم در شهرها را "التیام" ببخشند.

صفحه ۴

"اسماعیل احمدی مقدم رئیس پلیس ایران عصر دوشنبه ۲۳ اردیبهشت در جلسه پرسش و پاسخ در خصوص انتخابات ۸۸ و ۹۲ از زنان مریوان به خاطر توهین به آنها در مریوان، عذرخواهی کرد" این خصلت سیاسی و عمیقاً اجتماعی و رادیکال جنبش زنان سرخ پوش مریوان است که در این نوع از جلسات مطرح شده و "اسماعیل احمدی مقدم" را مجبور به معذرت

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ "انتخابات" و اصلاح طلبان جبهه...

اختلافات عمیق در میان طیفهای مختلف در حاکمیت، مدافعین حاشیه ای آنان در جبهه متحد کرد شاخه تهران با اصلاح طلبان کرد در مورد مشارکت در بازی انتخابات رژیم را هم چهار تناقض، هذیان و اختلاف کرده است. جبهه متحد کرد و اصلاح طلبان کرد را مردم کردستان بخوبی می شناسند. نمایندگان و سخنگویان این جبهه در دوره هایی نماینده رژیم اسلامی در مجلس بودند. این جبهه در دی ماه ۱۳۸۴ و با تعهد و وفاداری نسبت به اهداف جریان اصلاح طلبی در سیستم حاکم اعلام موجودیت کرد.

بیانیه اعلام موجودیت این جبهه می گوید:  
 "حفظ یکپارچگی ایران و حفظ تمامیت ارضی از اهداف اصلی جبهه متحد کرد است."  
 "تامل مثبت با دولت و حکومت" و "خط قرمز این تشکل قانون است و بنای آن را دارد که به دور از خشونت و در چارچوب قانون عمل کند." و "جبهه متحد کرد ساخته شده دست حکومت نیست ولی می خواهد به کمک حکومت بیاید"، "این جبهه به هیچ وجه با حکومت و دولت دشمنی ندارد." پایبند به فعالیت در چارچوب قانون.

نیازی به این نیست که مواضع این جبهه را در رابطه با "انتخابات" توضیح داد. جبهه متحد کرد همانگونه که در بیانیه اعلام موجودیتش نوشته شده است، اذعان دارد که با حکومت نه تنها سر دشمنی ندارد بلکه می خواهد به کمک دولت و حکومت بشتابد و تاکید می کند که خط قرمز قانون است. به قانونی پایبند است که بر اساس همین قانون بارها رژیم اسلامی به کردستان لشکرکشی کرد، اعدامهای دسته جمعی راه انداخت و با به توپ و خمپاره بستن شهر و روستاهای کردستان تعداد

زیادی از مردم را قتل عام کرد. این جبهه از ابتدای تاسیس خود تا به امروز بر تعهد خود مبنی بر شتافتن برای کمک به حکومت و دولت پایبند بوده است. هدف از تشکیل این جبهه از ابتدا تا به امروز خاک پاشیدن در چشم کارگران و مردم ستم دیده کردستان و ابزاری در دست این رژیم برای عقیم ساختن مبارزات مردم کردستان بوده است. تلاشهای اخیر این جبهه در مقطع نمایش انتخاباتی رژیم اسلامی نیز یکی دیگر از این خوشخدمتی های طیف اصلاح طلبان کرد به جمهوری اسلامی است. اهداف این جبهه ایستادن در مقابل خشم و تنفر مردم کردستان و حمایت از رژیمی است که به گفته بیانیه اعلام موجودیتش "برای کمک به حکومت تاسیس شده است". حکومتی که نه تنها کردستان را بخاک و خون کشید بلکه زندگی مردم در جامعه ای بوسعت جغرافیای ایران را به تباهی کشانیده است. گردانندگان این جبهه بنا به اعتراف خودشان بخشی از پیکره نظام اسلامی بوده هستند. اکنون نیز در شرایطی که تمام جناحهای مختلف حکومت بجان هم افتاده اند و مردم برای به زیر کشیدنشان در کمین نشسته اند، جبهه متحد کرد برای نجات این جنایتکاران آستین بالا زده و برای بازار گرمی نمایش انتخاباتی رژیم و افزودن چند روزی عمر بیشتر به این حکومت سرگرم صدور بیانیه شرکت در انتخابات فرمایشی حکومت است.

جبهه متحد کرد و دست اندر کارانش زیاده از حد مردم کردستان، کارگران، جوانان و زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب را دست کم گرفته اند. فکر می کنند با ادامه ایفای نقش پادویی برای حکومت اسلامی خواهند توانست همچنان بر سر مردم شیره بمالند. مردم شهرهای کردستان طی هر دوره ای و در مقاطع حساس و سرنوشت ساز که امکان تعرض هر چه بیشتر مردم به حکومت اسلامی

فراهم می شود، خوش رقصی های طیفهای مختلف از اصلاح طلبان کرد گرفته تا دیگر جریانات قومی و ناسیونالیست کرد را بدقت زیر نظر دارند. خواست و مطالبات مردم کردستان نه آنچه که جبهه متحد کرد در بیانیه اعلام موجودیتش بیان کرده و یا ناسیونالیسم قوم پرست کرد برای معامله و بند و بست و شریک شدن در قدرت جار می زند بلکه خواست و مطالبات کارگران و مردم کردستان، بیانیه ها و قطعنامه هایی است که بعنوان کیفرخواست خود هر سال در مناسبتهای روز جهانی کارگر و روز جهانی زن علیه حکومت اسلامی صادر می شود.

جبهه اصلاح طلبان کرد بعنوان بخشی از خود حکومت خط قرمزشان قانون اساسی جمهوری اسلامی بوده است. جبهه متحد کرد و دیگر دسته جات گوناگون این طیف زمان زیادی برای مانور دادن در اختیار ندارند. خدمت به رژیمی که مردم کردستان را طی هر دوره سلاخی کرده است آخر و عاقبت خوبی بدنبال نخواهد داشت.

تا جائیکه به نمایش انتخاباتی بر می گردد سیر حرکت رژیم و جناحهایش و روند مبارزات و اعتراضات مردم از پیش معلوم و محتوم نیست. اما آنچه که معلوم و مشخص است جنب و جوش سیاسی، تحرك و به کمین نشستن مردم از يك سو و از سوی دیگر بن بست، بحران و بجان هم افتادن سران حکومت و جناحهای آن، وجه مشخصه اصلی اوضاع سیاسی کنونی است.

تحولات تعیین کننده پیش رو که توسط کارگران و مردم بستوه آمده و برای تامین آزادی و رفاه رقم خواهد خورد می تواند بساط حاکمان و دنبالچه هایشان را جارو کند. طول عمر این جریان به اندازه طول عمر رژیم اسلامی است. جبهه متحد کرد بجای شتافتن به کمک رژیم اسلامی و گرم کردن تنور مضحکه انتخاباتی اش باید فکری بحال آینده خود بکند.

۱۲ مه ۲۰۱۳

## رانندگان تاکسی در سنج دست به اعتصاب زدند



طبق خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است امروز شنبه ۱۱ می رانندگان تاکسی شهر سنج دست به اعتصاب زدند. رانندگان مسیر خیابانهای فردوسی، انقلاب و فیض آباد را بستند، اعتصاب از ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه تا ۱۲ ظهر ادامه داشت. نیروهای اطلاعاتی و یگان های ویژه نظامی و لباس شخصی برای سرکوب اعتصابیون به محل آمده و به ضرب و شتم رانندگان پرداختند. طبق آخرین خبر تعدادی از راننده گان اعتصابی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده اند.

رانندگان تاکسی قبلا مشکلات خود را با اتحادیه

## علی آزادی فعال کارگری در سنج با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شد



مرکزی سنج انتقال داده شده است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری آزادی علی آزادی را به او، خانواده، بستگان و همکارانش تبریک می گوید. برگزاری هشت مارس، روز جهانی کارگر، ایجاد تشکلهای کارگری و عضویت در آنها حق بی چون و چرای کارگران است. با تجمع در مقابل نهادهای سرکوبگر رژیم خواهان آزادی بدون قید و شرط دیگر فعالین کارگری و همه زندانیان سیاسی شویم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۹ مه ۲۰۱۳ ۱۹ اردیبهشت ۹۲

بنا به خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است امروز پنجشنبه ۱۹ اردیبهشت علی آزادی کارگر نانوایی و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری با وثیقه ۵۰ میلیون تومانی ساعت ۷:۳۰ دقیقه بعدظهر در میان شور و شوق مردمی که به استقبال او آمده بودند از زندان آزاد شد. این در حالی بود که جمعیت کثیری برای استقبال از او در مقابل زندان سنج جمع کرده بودند. علی آزادی روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ۹۱ در ارتباط با هشت مارس روز جهانی زن در محل کارش در سنج دستگیر شد. همچنین طبق همین خبر غالب حسینی یکی دیگر از اعضای کمیته هماهنگی که همراه با علی آزادی و چند تن دیگر از فعالین کارگری در آستانه هشت مارس بازداشت شده بود از اداره اطلاعات به زندان

زنده باد انقلاب انسانی  
 برای جامعه ای انسانی!

## از صفحه ۱ "انتخابات" خرداد ۹۲...

## از صفحه ۱ سیرک انتخاباتی رژیم ...

اعتبار همین بحران است. چرا که می‌تواند به نقطه تلاقی و محمل بروز بن بست ها اقتصادی، سیاسی، اجتماعی جمهوری اسلامی بر متن شدیدترین جنگ قدرت باندهای متعدد رژیم و تلاطمات سیاسی وسیع تبدیل شود. آنگاه این يك فرصت برای کارگران و مردم جهت دخالت فعال در اوضاع سیاسی، تعرض به رژیم و مهندسی انقلاب خود علیه کل جمهوری اسلامی خواهد بود.

جمهوری اسلامی از لحاظ اقتصادی فروپاشیده است. اسلام سیاسی در پی انقلاب ۸۸ و انقلابات مصر و تونس ورشکسته شده و جمهوری اسلامی از لحاظ بین‌المللی منزوی تر شده و تحت محاصره و تحریم های شدید است. نزاع های درونی جمهوری اسلامی از هر زمان حادث تر و آشتی ناپذیرتر شده است. ساختارهای جمهوری اسلامی پوک تر از هر زمان شده و جایگاه خامنه ای بشدت لطمه خورده است. زبان دیالوگ بین حضرات زندان و حصر و تهدید و رو کردن دزدی ها و کثافتکاری های یکدیگر است. بار همه این بحرانها و بن بست های لاعلاج جمهوری اسلامی بر دوش کارگران و مردم است که برای نفس بقاء خود باید رژیم اسلامی را از سر راه بردارند. انتخابات ۹۲ در چنین شرایطی برپا میشود که بطور قطع قابل ادامه نیست. شرایط چنان طاقت فرسا و خشم و انزجار از جمهوری اسلامی چنان بالاست که جامعه میتواند حتی قبل از "انتخابات" منفجر شود. ایضا هر کشاکش و شکافی در بالا میتواند همچون جرقه ای در انبار باروت عمل کند. اما حتی اگر رژیم قادر باشد "انتخابات" را "مهندسی" کند و آنرا از سر بگذراند قادر به حل بحرانی که سراپای وجودش را فراگرفته است نخواهد بود.

سیر تحولات هرچه باشد در این تردیدی نیست که جامعه آستان تحولات زیر و رو کننده ای است. باید به استقبال این شرایط رفت. دارو دسته های حکومت مشغول مهندسی انتخابات هستند اما انتخاب مردم سرنگونی رژیم است، امر توده مردم "مهندسی" انقلاب و شکل دادن به يك حرکت متحد و متشکل برای بزرگ کردن حکومت است. فعالین و نهادهای جنبش کارگری و سایر جنبشهای اعتراضی باید هر چه متحد تر و متشکل تر و با خواسته های روشن و رادیکال در عرصه های مختلف به میدان بیایند. جمهوری اسلامی با تحمیل فقر و گرانی و بی تأمینی اقتصادی بر بخش وسیعی از جامعه، با افزایش اعدامها و پیگرد و بازداشت فعالین جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی، با دریغ داشتن يك زندگی شاد و مدرن و انسانی از جوانان، و با تحمیل بیشترین تضییقات و بی حقوقی ها به زنان، اکثریت قریب به اتفاق مردم را علیه خود بسیج کرده و زمینه های يك انفجار اجتماعی علیه خود را بوجود آورده است. باید در همه این عرصه ها بمیدان آمد و مبارزات و اعتراضات پیگیری را علیه جمهوری اسلامی سازمان داد و به پیش برد.

حزب ما با تمام نیرو و امکانات خود برای پیشبرد امر انقلاب و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی تلاش میکند و کلیه نیروهای انقلابی و فعالین جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی را به مبارزه ای متشکل و متحد برای بزرگ کردن حکومت اسلامی و برپائی جامعه آزاد و برابر و مرفه فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ فروردین ۱۳۹۲  
۴ آوریل ۲۰۱۳

بازی شرکت نمی کردند. برای مردم معلوم است که چه در "انتخابات" شرکت کنند و یا شرکت نکنند در روند اینکه آخر سر چه کسی از عوامل این رژیم سر از صندوقهای رای در بیاورد بی تاثیر است. معلوم است این روند يك سیرک و نمایشی بیش نیست و حتی در بهترین حالتش و بنا به معیارها و قوانین خودشان هم انتخابی در کار نیست بلکه از جانب ولایت فقیه و شورای نگهبان از میان مهره های مطیع تر خود کسی را منصوب میکنند. و اما در کردستان ایران وضعیت جمهوری اسلامی از اینهم بدتر بوده است.

واقعیتی انکار ناپذیر است که مردم در کردستان ایران از روز اول بر این رژیم به تمام مراسمها یش بی توجه بوده اند و اگر در این روزها اعتراضی صورت نگرفته باشد حداقل به آن بی توجه بوده اند و نه تنها هیچگاه این رژیم را برسمیت نشناخته اند بلکه مدام در مقابلش ایستاده اند. انتخاب مردم کردستان از همان اول به جمهوری اسلامی نه بوده است و در شرایط مختلف جمهوری اسلامی در کردستان و از طرف مردم منزوی بوده است. حتی در دوره های مختلف که احزاب و جریانات ریز و درشت ناسیونالیست جانب این یا آن جناح از رژیم را گرفته اند و برایشان تهنیت و دست دوستی دراز کرده اند و یا با نماینده گان دست دوم و سوم این جناحها سر میز مذاکره نشسته اند، مردم برایشان تزه هم خرد نکرده اند. در میان مردم کردستان تنها نیروهای طرفدار حکومت اسلامی که از روز اول به نام مکتب قرآن و پیشمرگان مسلمان کرد و بعدها با نامهای دیگر اعلام موجودیت کرده اند بطور فعال برای جمهوری اسلامی در جنب و جوش بوده اند این نیروها هم اقلیتی جیره خوار و ناچیزی بوده و هستند که از جانب مردم کردستان بعنوان افراد و گروههای منفور و مزدور محلی

شناخته شده اند. برای ایندوره از نمایش مسخره انتخابات ریاست جمهوری نیز همین مزدوران محلی که تا دیروز همراه سپاه و اطلاعات و بسیج در سرکوب مردم فعال بودند رنگی دیگر به خود زده اند و اینبار بدون اسلحه برای بقای جمهوری اسلامی به میدان آمده اند. اگر دیروز تحت نام "پیشمرگان مسلمان کرد" جوانان و مبارزین را در میدانهای نبرد میکشیدند و یا به زندانها روانه میکردند و در شکنجه و اعدام آنان شرکت فعال داشتند، امروز که از قبل خونهای همه کشته شده گان و اعدامی ها در شهر و روستاهای کردستان به نان و نوایی رسیده اند، لباس مدرنتری به تن کرده اند و تحت نام "جبهه متحد کرد" و "شورای هماهنگی اصلاح طلبان کرد" به میدان آمده اند و برای شرکت در انتخابات کذایی فراخوان داده اند. این دار و دسته در هر رنگ و لباسی ظاهر شوند و تحت هر نامی خود را به مردم معرفی کنند، در موقعیت و شرایطی که هستند تغییری حاصل نخواهد شد. مردم کردستان این باندها و دارودسته را بعنوان مزدور و منفور میشناسند و خود این جانیان و تیر خلاص زنه های جوانان در کردستان نخواهند توانست نه فقط در هیچ مراسم و مناسبتهای جمهوری اسلامی نقطه امید برای تشویق مردم برای دفاع از جمهوری اسلامی باشند بلکه بطور واقعی این رژیم را با تمام جناحهایش منفورتر خواهند کرد. معلوم است وقتی مزدوران پیشمرگ مسلمان و جانیان دیروز، امروز تحت نام اصلاح طلب خود را معرفی میکنند، قبل از هر چیز ماهیت جیره خواران دیروز و باندهای به اصطلاح اصلاح طلب امروز رژیم را که مورد نفرت مردم هستند معرفی می کنند. واضح است که مردم در کردستان در هیچ دوره ای از انتخابات های کذایی رژیم اسلامی

از شوراهای اسلامی گرفته تا سیرک های انتخاباتی مجلس اسلامی و ریاست جمهوری شرکت فعال نداشته اند همچنانکه در بالا اشاره شد انتخاب مردم در کردستان از همان روز اول به حاکمیت رسیدن این رژیم به آن نه بوده است. اما امروز شرایط کلی تغییر کرده است. جمهوری اسلامی در بن بست و بحران عمیق و غیر قابل علاجی دست و پا می زند. بالایی ها به جان هم افتاده اند، در ضعف و ناتوانی بسر میبرند. خودشان هم میدانند که روزهای آرخشان فرا رسیده است. بی توجه بودن و شرکت نکردن مردم در سیرک انتخاباتی کافی نیست باید بطور فعال به میدان آمد و خود این مراسم ها و بازارگرایی که جمهوری اسلامی می خواهد برقرار سازد را بر سرشان خراب کرد. میتوان و باید روز انتخابات را به روز نه به جمهوری اسلامی و سرنگونی این رژیم جانی و هار تبدیل کرد. برای تحقق این امراتحاد و همبستگی مردم تنها راهی است که باید پییومد.

اعتراض و مبارزه علیه حکومت اسلامی در کردستان امری بدیهی و روزانه بوده. کارگران، زنان و جوانان به مناسبتهای مختلف در حال اعتراض و مبارزه با زورگوها و فشار و سختی هایی که بر مردم آورده اند و میاورند بوده اند. نمونه های برجسته آن اعتراض زنان سرخ پوش میروان و مردان زنانه پوش و همچنین روز اول ماه مه و دهها نمونه دیگر است. اینبار باید جمهوری اسلامی را در مناسبتها و نمایشاتی که خودش هم برگزار میکند مورد تعرض قرار داد. این مراسمها و تمام جنب و جوشهای رژیم را باید تبدیل به اعتراض و مبارزه همگانی علیه نظام نکبت اسلامی کرد و در هیچ شرایطی نباید گذاشت نفس راحتی بکشد، جمهوری اسلامی از هر زمان ضعیفتر و شکننده تر است. این ممکن است.

\*\*\*

اساسی سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.





از صفحه ۱

## نگاه هفته ...

این مضحکه آن عرصه اعتراضی است که مردم و جامعه میتوانند با این مضحکه تعیین تکلیف کنند. و اما نارضایتی مردم تنها سناریوی موجود نیستند. در شهرهای کردستان هم "اصلاح طلبان کرد" و هم اینکه لابیست های بورژوا و سرمایه داران کرد وابسته به رحیم مشایی، رحیمی و احمدی نژاد کمین کرده اند و می خواهند "رای" و "صندوق های" رای گیری را گرم کنند "اصلاح طلبان کرد" دست به دامن سید خندان شده و فکر می کردند که او می آید و بازار "انتخابات" را در رکاب خاتمی پیش می برند. سناریوی خاتمی تبدیل به سناریوی هاشمی رفسنجانی شده است، حواشی های خاتمی را می خواهند به گردن هاشمی بیابیزند و می خواهند از "سردار سازندگی" اسطوره بسازند. سناریوی مفکوک و رذیلا نه در راه است. و اما بورژوا و سرمایه داران کرد هم در صحنه حاضر میشوند، از برکات استانداری مشایی و رحیمی در شهرهای سنندج، مهاباد و قروه از باند احمدی نژاد اینها میلیاردها تومان ثروت به جیب زدند. مشتی مفت خور در قیل استثمار و کشتار هزاران زحمتکش در مرزها و از طریق پروژه های ساختمانی و بده و بستانهای میلیونی به باند دولت یک قطب طبقاتی را در مقابل توده زحمتکش و مزدبگیر از کارگر و معلم و کوله بر و کارگر فصلی و ساختمانی تشکیل میدهند. در مقابل و در جبهه مقابل این دو دسته، اما توده میلیونی مردم کردستان حضور دارند. این جبهه در بیش از سی سال گذشته تجارب ارزنده در گفتن "نه" بزرگ به کل نظام جمهوری اسلامی را در کارنامه اعتراضی خود دارد. با نزدیک شدن به مضحکه انتخابات رئیس جمهوری باید طبقات و لابیست های دولت، اصلاح طلبان و لایه های حاشیه ای تر از سپاه پاسداران و عوامل مزدور محسن رضایی را که اساسا توسط فئودالها و دارو دسته مفتی زاده نمایندگی میشوند را باید شناخت. مردم در کردستان مضحکه انتخابات را مسخره میکنند. این انتخابات مضحکه است.

می خواهند مردم را پای صندوقهای رای ببرند. و بازار این مضحکه انتخاباتی را گرم کنند. ما و مردم این معذرتخواهی را در خصلت عمیقاً سیاسی و رادیکال جنبش زنان سرخ پوش ثبت میکنیم. اما قطعاً در جواب به مهندسی کردن جامعه برای این مضحکه "انتخاباتی" راه ما در مسیر سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی است.

.....

سه هفته مانده به "انتخابات" رئیس جمهور در ایران، بحث و نظرات مختلف در میان اقسام مختلف گرم میشود. مردم چه میگویند؛ موضع آنها در مورد اوضاع کنونی و برخورد آنها به این مضحکه "انتخاباتی" چگونه است؟ «مردم چشمشون دنبال صد تومان ۲۰۰ تومانی هست که تو برج می گیرند، دیگه به این فکر نمی کنند چقدر در ماه از جیب شون به خاطر گرونی و هزار کوفت و زهرمار دیگه می رود». «یارانه نمی خواهیم، قیمت ها را به قبل برگردانند. ندهند و نگیرند. یک یارانه به مردم می دهند چند برابر آن را می گیرند. روغن و گوشت و مرغ و تخم مرغ و... حالا نان هم باز می خواهد گران تر شود»، «به قبر پدرم بخندم اگر رای بدم»، «اصلاً مگر کسی را راضی پیدا می کنی که من دومی اش باشم؟»، «هر کی که بیاد جیب هاشون رو پر می کنند ما بدبخت بیچاره ها باید سختی بکشیم» به این جملات و این اظهارات که در بطن جامعه جاری است شما خواننده این متن میتوانید ده ها و صدها نکات و درد دل های اعتراضی جامعه و مردم را اضافه کنید. سخت است اگر پیش بینی کنید که این توده میلیونی ناراضی که هر روز برای بقا و معیشت و آزادی در جنگ با کل سیستم و نظام جمهوری اسلامی هستند پای صندوق رای بروند. نارضایتی ها در یکسال گذشته بیشتر از هر دوره ای و عمیقتر شده است، روزهایی که این مضحکه انتخاباتی در جریان است، این مردم و جامعه هستند که تصمیم میگیرند چکار کنند. نرفتن آنها پای صندوقهای رای و کسادی بازار

کارگری:

پیام تبریک به مناسبت آزادی غالب حسینی و علی آزادی از اعضای بازداشتی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری. سرانجام بعد از دو ماه بازداشت و بلا تکلیفی دو تن از فعالین کارگری شهر سنندج روز پنج شنبه ۱۹ اردیبهشت ماه علی آزادی با قرار وثیقه آزاد شد و امروز دوشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه هم غالب حسینی دیگر فعال کارگری عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری با قرار وثیقه سنگین از زندان مرکزی شهر سنندج آزاد شد. ضمن تبریک آزادی این فعالین کارگری مبارز به خانواده عزیزشان همچنین تمام هم طبقه ای هایم در سراسر جهان خواستار آزادی دیگر فعالین کارگری و کارگران زندانی هستم که تنها جرمشان دفاع از حقوق خود و هم طبقه انی هایشان است بهنام ابراهیم زاده کارگر و فعال کارگری و فعال کودکان زندانی.

۲۳ اردیبهشت: "غالب حسینی"

فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی پس از حدود دو ماه بازداشت با قرار وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی از زندان مرکزی سنندج آزاد شد. این فعال کارگری به هنگام آزادی از زندان با استقبال گرم جمع کثیری از اعضای خانواده، کارگران و فعالین کارگری روبرو شد و مردم با تاج گل از مقاومت وی قدردانی کردند. وی در میان شادی و سرور مردم از مقابل زندان تا منزلش هدایت شد. غالب حسینی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۹۱، توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم در محل کارش در سنندج دستگیر و روانه زندان گردید

۲۰ اردیبهشت: با گذشت ۸ روز از

دستگیری «جلیل محمدی» و «حامد محمودی نژاد»، از اعضای کمیته هماهنگی و علیرغم مراجعات متعدد خانواده های آنان به اداره اطلاعات برای گرفتن خبری از آنان، هنوز خبری از وضعیت آنان در دسترس نیست و خانواده ها با بی توجهی وعدم پاسخگویی مسئولین مواجه می شوند. خانواده ها

خواهان ملاقات حضوری با فرزندان شان و همچنین ارجاع پرونده ها به دادگاه هستند؛ شایان ذکر است که در این مدت، بازداشت شدگان هیچگونه تماسی با خانواده خود نداشته اند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، ادامه بازداشت این فعالین کارگری و همچنین نقض حقوق انسانی بازداشت شدگان و حتی ندادن اجازه تماس به ایشان را محکوم می کند و خواهان آزادی بی قید و شرط «جلیل محمدی» و «حامد محمودی نژاد» و تمامی کارگران و فعالین کارگری در بند و زندانیان سیاسی می باشد.

۱۸ اردیبهشت: تداوم اذیت و

آزار و تعقیب قانونی کارگران و سرکوب فعالیتهای کارگری در هفته های اخیر موجب شده است که تعداد دیگری از فعالین کارگری توسط نیروهای امنیتی دستگیر و مورد اذیت و آزار قرار بگیرند. در سنندج بدنبال راهپیمایی کارگران به مناسبت روز جهانی کارگر تعدادی از شرکت کنندگان در این تظاهرات بازداشت شدند و فضای شهر سنندج به خصوص به شدت امنیتی شده است و بسیاری از فعالین کارگری مورد تهدید قرار گرفته اند. بنا به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری اکثریت دستگیر شدگان اول مه با قید ضمانت آزاد شده اند. همچنین از تاریخ دوم ماه مه جلیل محمدی و حامد محمود نژاد در شهر سنندج بازداشت شده اند و تا کنون خبر موثقی از وضعیت آنها در دسترس نیست. شاهرخ زمانی در روز اول مه به زور توسط ماموران از زندان گوهردشت به دادگاه برده شد و اتهام واهی توهین به "رهبری" به وی تفهیم شد. همزمان بهنام ابراهیم زاده تحت فشار برای بازگشت به زندان با وجود بیماری شدید و معالجات تنها فرزندش قرار گرفته است. رضا شهبانی را نیز با وجود پایان نیافتن معالجاتش مجبور به بازگشت به زندان نمودند. غالب حسینی و علی آزادی با وجود پایان باجوییها بدون حکم و بدون هیچگونه دلیلی در بازداشت نگاه داشته شده اند و دیگر فعالین کارگری از جمله پدرام نصرالهی، محمد جراحی و رسول بدایق کماکان محبوس هستند.

۱۴ اردیبهشت: صبح روز پنج شنبه ۱۲ اردیبهشت تعمیرکاران معترض سنندجی به همراه زن و بچه های خود در زمین هایی که پیشتر وعده واگذاری آنها به تعمیرکاران داده شده بود حضور یافته و به وسیله لودر و گریدر اقدام به تسطیح این اراضی کردند. پس از حضور معترضین شهردار و مأمورین شهرداری و همچنین نیروهای یگان ویژه انتظامی در محل اعتراض حضور یافتند و قریب به ۶۰۰ نفر از تعمیرکاران معترض شهرك تعمیرکاران سنندج و خانواده های شان، نیروهای انتظامی و مأموران شهرداری را از زمین های خود بیرون کردند. این زمین ها در پشت میدان تره بار سنندج واقع شده است. یکی از تعمیرکاران معترض اعلام کرد: "حدود ۱۲ سال پیش، شرکت تعاونی تعمیرکاران سنندج مبلغ یک میلیون و نیم وجه نقد را جهت واگذاری زمین از تعمیرکاران اخذ کرده، اما تا کنون از واگذاری این زمین ها خودداری کرده اند". پیشتر نیز تعمیرکاران معترض با چندین بار تجمع اعتراضی در مقابل استانداری و فرمانداری نسبت به عدم این واگذاری اعتراض خود را اعلام کرده و هر بار با وعده های مسئولین روبرو شده بودند. تعمیرکاران معترض به همراه خانواده های شان تا ساعات ۹ شب حاضر به تخلیه زمین های مذکور نشده اند.

۱۰ اردیبهشت: بر طبق گزارش

رسیده طی دیروز و امروز (۹ و ۱۰ اردیبهشت) محمد عبیدی پور، جمیل راست خلیو، عمر شاکری و اسماعیل نیازی از فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در شهر سقز طی تماس های تلفنی تهدید شده اند که در مراسم روز جهانی کارگر شرکت نکنند. طی این تماس ها به این فعالین تاکید شده است که در روز ۱۱ اردیبهشت بایستی در خانه های خود مانده و در غیر این صورت حضور آنها در بیرون از خانه به منزله شرکت در اول ماه مه تلقی شده و با آنها با شدت تمام برخورد خواهد شد. این تهدید ها در حالی

## نگاه هفته ...

از صفحه ۴

## وحید زارع نجات یافت اما تمام زندگی اش اعدام شد

عبدل کلیریان



اسلام و حکومت اسلامی ساخته است.

برای جنایتکاران حاکم بر این کشور مهم نیست که وحید و امثال او باید تا زنده هستند با این کابوس دست و پنجه نرم کنند، زجر کش کردن، سلاخی کردن، قطعه قطعه کردن جسم، روح و روان انسان بخشی از هویت اسلام و حکومت اسلامی است.

امروز با پیشرفت علم پزشکی و روانشناسی، غیر ممکن ترین دردهای لاعلاج از نظر جسمی، روحی و روانی بر راحتی قابل علاج و درمان هستند اما تا کنون هیچ راه و روشی توسط علم روانشناسی یافت نشده است تا آن کابوسی را که جمهوری اسلامی در وجود وحید زارع و هزاران محکوم به اعدام دیگر جاری ساخته است علاج و آنرا ترمیم کند.

تنها راه علاج این درد و نجات جان کسانی که هم اکنون در زندانهای جمهوری اسلامی در انتظار اجرای احکام شنیع اعدام هستند، فقط سرنگونی قاتلان، آدمکشان و برچیدن بساط این سیستم ویرانگر حاکم بر ایران است.

۸ مه ۲۰۱۳

چنگیز قدم خیر اهل کامیاران محکوم به ۴۰ سال زندان و تبعید به مسجد سلیمان، فردین فرجی اهل مریوان محکوم به ۳۰ سال زندان و تبعید به طب، محمدحسین رضایی اهل دیواندره محکوم به ۳۰ سال زندان که بعدا هم در دادگاهی دیگر به ۱۵ سال دیگر زندان هم حکم داده شد و تبعید به میناب، ایوب اسدی اهل مریوان محکوم به ۲۰ سال زندان و تبعید به کاشمر که هفته گذشته به دستور مقامات قضایی حکم تبعید آنها به اجرا گذاشته شد و این چهار زندانی سیاسی به خارج از زندانهای کردستان تبعید شدند. این چهار زندانی نزدیک به سه ماه در بازداشتگاههای امنیتی شهرهای سنندج و مریوان تحت بازجویی و تحت فشار برای گرفتن اعترافات تلویزیونی قرار گرفته بودند. و همواره تحت فشار مسئولان امنیتی زندان مرکزی سنندج قرار داشتند.

رحیم مددی در اعتراض به وضعیت وخیم جسمانی و بی توجهی مقامات زندان اوین به وضعیت وی دست به اعتصاب غذای خشک زده است. این در حالیست که نامبرده چندین ماه است مبتلا به نارسایی کلیه شده و تلاش او برای متقاعد کردن مسئولان زندان جهت مداوی وی بیهوده بوده است. رحیم مددی دانشجوی سابق دانشگاه آزاد اسلامی تهران و اهل شهرستان مهاباد در طی اعتراضات و جنبش مردمی پس از انتخابات سال ۸۸ دستگیر شده بود و به اتهام اغتشاش، تهدید علیه امنیت ملی و نیز همکاری با یکی از احزاب مخالف ایران از سوی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران به ۱۴ سال حبس محکوم شده است.

### بر اثر حوادث رانندگی در محورهای کردستان حداقل ۴ شهروند گشته و ۴ تن دیگر مجروح شده اند

**سنندج:** ۲۲ اردیبهشت، بر اثر برخورد دو دستگاه پیکان در کیلومتر ۴۴ محور سنندج به کامیاران یک شهروند جان خود را از دست داده و سه تن دیگر مجروح شده اند. پای یکی از مجروحان این حادثه نیز قطع شده است.

**سقز:** ۲۱ اردیبهشت، بر اثر واژگونی یک دستگاه پیکان در سنته در شهرستان سقز هردو سرنشین آن

اعتصاب بود. با بالا رفتن دلار در ایران، قیمت قطعات یدکی خارجی و حتی ایرانی در عرض چند ماه تقریباً دو برابر شده است.

**سنندج:** ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۲ در دادگاه انقلاب شهر سنندج برای بار دوم جلسه دادگاهی سیروان حسین پناهی و شیرزاد حسین پناهی هر یک به ۶ ماه زندان محکوم شدند. در این جلسه این دو فعال مدنی به اتهام "تبلیغ علیه نظام" مورد محاکمه قرار گرفتند ایشان که بدون داشتن وکیل در دادگاه بار دوم حضور یافته بودند، شخصاً در برابر اتهامات وارده به دفاع از خود پرداختند. اما نهایتاً در این دادگاه که به ریاست قاضی بابائی محاکمه شدند هر یک به ۶ ماه حبس تعزیری محکوم شدند.

به گزارش مهر، اسماعیل احمدی مقدم، رئیس پلیس ایران عصر دوشنبه در جلسه پرسش و پاسخ در خصوص انتخابات ۸۸ و ۹۲ و طرح امنیت اخلاقی به سئوالات خبرنگاران پاسخ داد و از زنان کرد بخاطر توهین به آنها در شهرستان مریوان، عذرخواهی کرد.

**سنندج:** محکومیت طولانی مدت چهار زندانی: در پی حکم قبلی دادگاه انقلاب اسلامی شهر سنندج مبنی بر اینکه چهار زندانی سیاسی هر یک به سالهای طولانی زندان و تبعید به خارج مناطق کردستان محکوم شده بودند هفته گذشته حکم تبعید آنها به اجرا گذاشته شد و هر یک به زندانهای میناب، طب، مسجد سلیمان و کاشمر تبعید شدند. این چهار زندانی سیاسی بنامهای، شورش رضایی فخرالدین فرجی و چنگیز قدم خیری و ایوب اسدی که در اواخر خرداد ماه سال ۱۳۹۰ توسط نیروهای اطلاعات سپاه دستگیر شده بودند و در تاریخ ۲۱ مرداد ماه سال گذشته جلسه رسیدگی به اتهامات این چهار فعال سیاسی اهل شهرهای کامیاران، مریوان و دیواندره در شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی سنندج به ریاست قاضی بابایی برگزار شد. بر اساس این گزارش، در این جلسه که حدود ۲ ساعت ونیم به طول انجامید، پرونده این چهار زندانی سیاسی مورد رسیدگی قرار گرفت و

صورت می گیرد که برگزاری شرکت در مراسم های مستقل روز جهانی کارگر از ابتدایی ترین خواست ها و مطالبات کارگری است که باید دولت ها به آن احترام بگذارند. این روز متعلق به طبقه کارگر جهانی است و کارگران و پیشروان کارگری باید بدون ترس و تهدید و ارباب بتوانند آنچه که خود شایسته می دانند در این روز به مناسبات نابرابر و تبعیض آمیز نظام سرمایه داری اعتراض نمایند. کمیته همبستگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری و فعالین کارگری و اعضای کمیته همبستگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری را قویا محکوم کرده و خواهان پایان یافتن این تهدید ها می باشد.

### اجتماعی:

**سنندج:** شنبه ۲۱ اردیبهشت تاکسی داران و رانندگان تاکسی در سنندج دست به اعتصاب زدند مسیر اصلی اعتصاب خیابان فردوسی بود که در ساعتی از روز مسیر ویژه عبور تاکسی کاملاً مسدود شده بود. در همین خیابان نیروهای امنیتی دخالت کردند و به رانندگان هشدار دادند که اگر خیابان را باز نکنند، با آنها برخورد میکنند. تعدادی از اعتصابیون با پلیس جر و بحث طولانی را داشتند که منجر به ضرب و شتم و دستگیری چند نفر از آنها شد. مسیر طولانی میدان اقبال به میدان فیض اباد مملو از تاکسی های زرد رنگ و خاموش بود که توجه تمام عابرین شهر را جلب میکرد. حدود یک ساعت پیش با مراجعه خانواده های دستگیر شدگان به نیروی انتظامی های سنندج، محل بازداشت آنها را پیدا کردند و تا این لحظه ۳ نفر از آنها آزاد شده اند. هفته پیش تاکسی داران در خیابان سعدی سنندج جلو اتحادیه تاکسیرانی تجمع کردند و خواسته هایشان را به این اتحادیه اطلاع داده و هشدار دادند که در صورت بر آورده نکردن خواسته هایشان روز شنبه اعتصاب خواهند کرد. گرانی سرسام آور قطعات یدکی بنزین و گاز و بالا رفتن نرخ کرایه تاکسی دلیل اصلی این

جهان را دارا می باشد و هر ساله بیش از ۲۰ هزار نفر بر اثر حوادث رانندگی جان خود را از دست می دهند. کارشناسان علت بالا بودن این آمار را عواملی چون نبود جاده های استاندارد، خودروهایی غیر استاندارد و همچنین بی توجهی رانندگان در حین رانندگی می دانند.

\*\*\*

پس از انتقال به بیمارستان سقز جان خود را از دست داده اند.

**مریوان:** بر اثر برخورد یک دستگاه پاترول با یک موتور سیکلت در نزدیکی روستای "چور" در شهرستان مریوان، راکب موتور سیکلت در دم جان خود را از دست داده است.

ایران، یکی از بالاترین آمار تلفات جاده ای و حوادث رانندگی

## زندگی میلیونها خانواده کارگری چگونه میگذرد

جمیل محمدی



از اوایل سال گذشته به این سو و با گرانی های سرسام آوری که طی دو سال گذشته بوجود آمده است مسئله معیشت میلیونها خانواده کارگری و دیگر اقشار زحمتکش جامعه بیش از هر زمان دیگری در مرکز توجه همگان قرار گرفته است و بیش از همیشه این سوال مطرح است که کارگران با این دستمزدها چگونه زندگی میکنند. برای پاسخ به این سوال آنرا بی هیچ مقدمه ای با یک مربی آموزش رانندگی، یک راننده تاکسی، یک کارگر جوان و یک کارگر میانسال در میان گذاشتم.

حسن محمدی مربی آموزش رانندگی در این باره می گوید: من ماهیانه تقریباً ۶۵۰ هزار تومان می گیرم، ماشین هم مال خودم نیست ماهی ۴۰۰ هزار تومان کرایه خانه می دهم با ۴ میلیون پول پیش، خوب با این حقوق، سهم من از زندگی فقط غصه و حسرت است من باید جوابگوی همه کم و کاستیهای خانواده ام باشم، اما هیچکس جوابگوی من نیست من از ۷ صبح تا ۷ شب هرچه گاز می دهم به گرد پای گرانی و تورم نمی رسم. حقوق من ثابت، اجناس هی بالا میرن بچه

شبیستری بود برات خواندم، در خودم فرو می روم و او زیر لب غرولند می زند، سوسک هم این طور زندگی نمی کند!

یاور کارگر لوله سازی صفا ۴۵ سالش است، تاکنون درچند جا کارکرده ۲۰ سال سابقه کار دارد. ستوال را اینطور پاسخ می دهد دستمزد نقش اصلی را در زندگی اکثر کارگران دارد چون درآمد دیگری ندارند من چند سالی است از کرایه خانه راحت شدم گفتم نفسی می کشم ولی اقساط وامها و هزینه اب، برق، گاز، تلفن و این گرانی ها نفسم را بریدن، ده روزه حقوق ماهیانه ام ته می کشد آن هم بشرطی که سر ماه حقوق را بدهند، سه ماهه که حقوق نگرفتیم، همسرم خیاطی میکند ولی بازم نمیروسیم، امسال ۲۵ درصد مزد را بالا بردند ولی اجناس هم چند برابر شدند کوجه ۲۰۰۰ بادمجان ۲۵۰۰ قارچ ۶۰۰۰ سیب زمینی ۱۸۰۰، دیگه نمی دویم چی بخوریم، گوشت و میوه که به دهان ما حرام شده، دخترم سال دوم دبیرستانه، استعداد خوبی داره، دوست داره دانشگاه بره، همین حالا هم شرمند شم، آینده اش چه خواهد شد؟ خیلی نگرانم.

احسان ۲۳ ساله، کارگر یک تعمیرگاه فنی است، اهمیت و نقش مزد در زندگی اش را این طور بیان می کند: دوسال پیش سربازی را تمام کردم يك سال دنبال کار گشتم و آخر سر مجبور شدم اینجا کار کنم، سال پیش ۲۵۰ هزار تومان می گرفتم و امسال که تجربه ام زیاد شده ۱۰۰ هزار تومان به حقوقم اضافه شده و بیمه شدم، از ۸ صبح تا ۹ شب، جوشکاری، سنگ زنی، برشکاری، با اسید، اب باطری و تعمیرات هم سر و کار دارم. خوب ۱۳ ساعت کار به این سختی، فقط ۳۵۰ هزار تومان؟ حتی از مزد قانون کار هم کمتره، کرایه رفت و امدم فقط ماهی ۶۰ هزار تومان می شود، خوب با این حقوق که حالا حتی خرج خوراکم هم نمی شود من می توانم اینده ای داشته باشم؟ این هم از روزگار جوانی ما، دریغ از دلخوشی و تفریح، آرزو هام همه بر باد رفت، فقط دلم خوشه بیکار نیستم!

## نگ بر گرانی و عاملین آن

کارگران! معلمان! پرستاران! شاغلین! بیکاران! مردم محروم! گرانی هرروزه و فقر و نداری زندگی همه ما را به درد و عذاب تبدیل کرده است. تا این حکومت دزدان و مفتخوران حریص و میلیاردر هست، اوضاع هرروز بدتر و بدتر خواهد شد. ثروتهای میلیاردی آنها تنها حاصل دزدی نان شب فرزندان ماست. و ما مانده ایم و درد عمیق و خشم بی انتهایمان.

تنها راه نجات ما از این فقر و گرانی و حسرت و محرومیت که هرروز غیر قابل تحمل تر میشود، اینست که خشم مان را فرو نخوریم. داد بزنیم! فریاد بزنیم! اعتصاب کنیم! اعتراض کنیم! به مفتخوران حاکم هرچه سزایشان است با صدای بلند بگوییم! کوچه و خیابان و کارخانه و صف خرید و همه جا را به کانونهای اعتراض و حق خواهی تبدیل کنیم. هم اینک اینجا و آنجا اعتصابات کارگری و اعتراضات و بیرون ریختن فریاد خشم علیه مسببین این اوضاع هرروز مشاهده میشود. و همین را باید میلیونی و سراسری کرد.

تک تک ما مردم حق داریم نه فقط نان و میوه و خانه و کاشانه مناسبی داشته باشیم، بلکه زندگی مرفه و شاد حق ماست. برخورداری از همه نعمات حق ماست. برخورداری از پزشک و داروی رایگان حق ماست. تحصیل رایگان و مناسب حق همه فرزندان ماست. استراحت و تفریح و مسافرت و استفاده از آخرین دستاوردهای زندگی حق همه ماست. هیچ تک نفری چه شاغل چه بیکار چه بیمار و چه معلول، در این جامعه نباید گرسنه و محروم و حسرت کشیده بماند. ما انسانیم و زندگی انسانی حق بی چون و چرای تک تک ماست.

این حکومت و این نظام ناعادلانه سرمایه داری را میتوانیم درهم بکوبیم و جامعه ای آزاد و شاد و مرفه و انسانی را برپا داریم.

### زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی! زنده باد سوسیالیسم! حزب کمونیست کارگری ایران

### سوسیالیسم راه نجات ما است!

۳۱ سال است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند اند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند. گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

### سرتگون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران! زنده باد سوسیالیسم! زنده باد حزب کمونیست کارگری!

## FITNAH

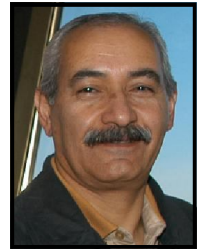
ولوله

|            |                |
|------------|----------------|
| مینا احدی  | ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳ |
| کوان جاوید | ۰۰۴۴۷۸۶۱۴۷۶۸۶۹ |
| مریم نمازی | ۰۰۴۴۷۷۱۹۱۶۶۷۳۱ |

آدرس پستی

Maryam Namazie  
BML BOX 1616, London WC1N1XX UK  
Email: [fitnahmovement@gmail.com](mailto:fitnahmovement@gmail.com)  
Blog: <http://fitnahmovement.blogspot.co.uk>  
Website: [www.fitnah.org](http://www.fitnah.org)  
Facebook: [www.facebook.com/fitnahmovement](http://www.facebook.com/fitnahmovement)





عبدل گلپریان

دور دوم فعالیت در تشکیلات  
علنی سازمان کردستان حزب  
کمونیست ایران کومه له

قبل از جمع بندی بخش هشتم و در انتهای بخش هفتم اشاره کردم که رفقای باقیمانده در تهران که هر یک بنحوی مخفی شده بودند، با کمک راننده های قابل اعتماد شرکت حمل و نقل و طی سرویسهای جداگانه یکی پس از دیگری به منطقه منتقل شدند. من هم بعد از اینکه خیالم از بابت اینکه همه آنها به سلامت به مناطق آزاد رسیده بودند راحت شد، بعنوان آخرین نفر به سنندج برگشتم و بعد از یک هفته اقامت مخفی در شهر، به مناطق آزاد تحت کنترل کومه له منتقل شدم.

اواسط پاییز سال ۶۱ برف زودتر شروع به باریدن کرده بود. حوالی ظهر بود. از روستای "ماموخ" که در کنار جاده سنندج دیواندره واقع شده است پیاده بطرف روستای "باینچوب" که تا رسیدن به آنجا حدودا دوساعتی طول می کشید با پای پیاده و تنها حرکت کردم. کلاه مخصوصی بسر داشتم با عینک که بسختی کسی می توانست مرا بشناسد. این کار را از آن رو انجام دادم که بعد از دیدار با مسئولی از بخش علنی کومه له خیال بازگشت به تهران یا یکی دیگر از شهرهای بزرگ را برای تجدید سازمان و دوباره ساختن تشکیلات شهرها را در سر می پروراندم. هنوز نمی توانستم بپذیرم که مراکز شهری و کارگری را بدلیل ضربات رژیم تخلیه کرده ایم. اما اعتماد بنفس زیادی برای سازماندهی مجدد در تهران را داشتم. طی دوسالی که در تهران بودم توانسته بودم روابط توده ای و اجتماعی گسترده ای فراهم کنم که حتی اگر می ماندم می توانستم بر بستر این روابط به تنهایی سر و سامانی به سازماندهی و ساختن مجدد تشکیلات بدهم بدون اینکه

## مختصری از تاریخ یک دوره / بخش نهم دور دوم فعالیت در تشکیلات علنی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران کومه له

مورد سوطن قرار بگیرم یا دستگیر شوم.  
بعد از طی مسافت دو ساعته ای به روستای "باینچوب" رسیدم. این روستا نزدیکترین روستا به سنندج بود که مقر نیروی مسلح کومه له "پیشمرگ" در آنجا و در روستاهای مجاور آن مستقر بودند. این نکته را لازم است توضیح دهم که در سنت و فرهنگ احزاب و نیروهای ناسیونالیست کرد آن زمان و قبلتر از آن ایام یعنی اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان ایران و عراق به نیروهای مسلح "پیشمرگ" گفته میشد. این اسم همانطور که از معنایش پیداست یعنی کسیکه پیش از دیگران می میرد یا مردن را برای خود در دستور قرار داده است. که بعد از درگذشت او را با همان واژه مذهبی "شهید" مورد خطاب قرار می دهند. در میان این احزاب پیشمرگه ای که در جنگ با حکومت و یا از هر طریق دیگری جان خود را از دست می داد شهید گفته میشد. اکنون هم همین واژه در فرهنگ، ادبیات و سنت این احزاب وجود دارد. در کومه له هم با پیروی و کپی برداری از سنت و ادبیات اتحادیه میهنی به این نیرو "پیشمرگ" می گفتند و بعد از درگذشتش او را "شهید" می نامیدند. تا مدتها این واژه که میراث ناسیونالیسم کرد است همچنان در کومه له بکار برده می شد. تا اینکه بعدها واژه "جانباختگان" بتدریج جای آن را گرفت. اکنون هم در میان تمام طیفهای کومه له اصطلاح "پیشمرگ" دست نخورده باقی مانده است. (در طول این نوشته بجای کلمه "پیشمرگ" از نیروی مسلح استفاده کرده ام). به اصل موضوع برگردیم.

مورد سوطن قرار بگیرم یا دستگیر شوم.  
بعد از طی مسافت دو ساعته ای به روستای "باینچوب" رسیدم. این روستا نزدیکترین روستا به سنندج بود که مقر نیروی مسلح کومه له "پیشمرگ" در آنجا و در روستاهای مجاور آن مستقر بودند. این نکته را لازم است توضیح دهم که در سنت و فرهنگ احزاب و نیروهای ناسیونالیست کرد آن زمان و قبلتر از آن ایام یعنی اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان ایران و عراق به نیروهای مسلح "پیشمرگ" گفته میشد. این اسم همانطور که از معنایش پیداست یعنی کسیکه پیش از دیگران می میرد یا مردن را برای خود در دستور قرار داده است. که بعد از درگذشت او را با همان واژه مذهبی "شهید" مورد خطاب قرار می دهند. در میان این احزاب پیشمرگه ای که در جنگ با حکومت و یا از هر طریق دیگری جان خود را از دست می داد شهید گفته میشد. اکنون هم همین واژه در فرهنگ، ادبیات و سنت این احزاب وجود دارد. در کومه له هم با پیروی و کپی برداری از سنت و ادبیات اتحادیه میهنی به این نیرو "پیشمرگ" می گفتند و بعد از درگذشتش او را "شهید" می نامیدند. تا مدتها این واژه که میراث ناسیونالیسم کرد است همچنان در کومه له بکار برده می شد. تا اینکه بعدها واژه "جانباختگان" بتدریج جای آن را گرفت. اکنون هم در میان تمام طیفهای کومه له اصطلاح "پیشمرگ" دست نخورده باقی مانده است. (در طول این نوشته بجای کلمه "پیشمرگ" از نیروی مسلح استفاده کرده ام). به اصل موضوع برگردیم.

بودم متوجه شدم که قبل از من فعالین دیگری از تشکیلات شهر اینجا بوده اند. مسئولین مربوطه در گفتگو با افرادی که از شهر می آمدند با توجه به وضعیت امنیتی شخص مورد نظر، کسانی از آنها را که خطر امنیتی متوجه آنان نبود، با دادن رهندهای لازم مجدداً به شهر سنندج باز می گرداندند و کسانی که کاملاً لو رفته بودند و یا خطر تعقیب و دستگیریشان می رفت می ماندند و ابتدا برای آموزش دوره نظامی معرفی می شدند و سپس بتناسب توانائی هایشان در واحدهای رزمی یا ارگانهای دیگر سازماندهی می شدند.  
من تا تاریخ شدن هوا در همان اطاق بسر بردم. کسیکه به نزد من می آمد و مجاز بود هویت تشکیلاتی من را بداند عزیز جانباخته مصطفی بیکس (تکش) بود. بعد از مقداری گپ زدن و شوخی کردن به من گفت عضوی از کمیته مرکزی کومه له در این روستا است که خود او در جریان تشکیلات تهران و ضربات وارده به آن قرار دارد. بهش اطلاع داده ام که تو آمده ای و شب همدیگر را ملاقات خواهی کرد.  
بعد از خوردن شام به همراه مصطفی به نزد عضو کمیته مرکزی رفتم. اطاقی که در آن مستقر بود بجز او تقریباً حدود ده الی دوازده نفر از اعضا و کادرهای قدیمی تر کومه له که همگی را می شناختم در آنجا بودند. تعداد انگشت شماری از آنها من را شناختند اما آگاهانه بروی خود نیاوردند. استتار ظاهری من که محض احتیاط بود و برای بازگشت به تهران صورت داده بودم شناخت من را توسط اکثر حاضرین در اطاق سخت کرده بود. این عضو کمیته مرکزی کومه له عمر ایلخانی زاده بود. بعد از احوالپرسی با همه افراد حاضر در اتاق، من را به گوشه ای دعوت کرد و من پشت به بقیه با او شروع به صحبت کردم. شاید در حدود یکساعت تمامی رویدادها و اینکه چه بر سر تشکیلات تهران آمده است و همچنین انتقال رفقای باقیمانده که تعدادی از آنها در همین روستا بودند را برایش بازگو کردم.



مصطفی بیکس (تکش)



در پایان هم گفتم که من این امکان و آمادگی را دارم که تشکیلات را از سر باز سازی کنم چرا که امکانات و روابط توده ای و اجتماعی زیادی دارم که تشکیلات و افراد دستگیر شده از آن اطلاع ندارند. او بعد از طرح سوالات متعدد و دریافت پاسخهای من تنها این جمله را بعنوان نتیجه گیری بکار برد و گفت: "این کلاه و عینک را بردار دور دور پیشمرگایستی است و باید پیشمرگ بشی".

همانوقه احساس خوبی نسبت به شخصیت سیاسی و طرز فکرش نداشتم. توضیحات من هم بی اثر بود.

از اینکه دنیایی امکانات همانطور بحال خود رها می شد نگرانم کرده بود و عمیقاً تاسف میخوردم. خلاصه صحبتها تمام شد و من هم کلاه و عینک و غیره را که استتاری برای عدم شناخت بود برداشتم و بقیه افرادی که در اطاق حضور داشتند بلافاصله من را شناختند و شروع به روبوسی با هم کردیم.

بعد از گذشت چهار سال رهبری تشکیلات کومه له به این نتیجه

رسیده بود که برای باز سازی تشکیلات داخل این ماموریت را به من محول کند. که بعداً در ادامه بخشهای بعدی به این مسئله باز خواهم گشت.

ادامه دارد

**توجه توجه**  
**برنامه پخش مستقیم به زبان کردی از کانال جدید**  
**مجری برنامه: پدی محمودی**  
**این برنامه پنجشنبه ها از ساعت ۳:۳۰ تا ۷:۳۰ شب به وقت ایران و ۵ تا ۹ به وقت اروپای مرکزی پخش میشود**  
**مشخصات ماهواره: KURD KANNEL**  
**هات برد ۸**  
**ترانسپوندر ۱۵۵**  
**فرکانس ۱۱۶۴۲ افقی**  
**ا.ک.ای سی ۵/۶**  
**سیگنال ریت ۲۷۵۰۰**

## بی ربطی احزاب و جریانات عشیره ای ناسیونالیست به منافع مردم کردستان ژینا رونو

تا آنجایی که به ما مردم آزدیخواه کردستان، طبقه کارگر، کمونیستها و جنبش انقلابی بر میگردد ناسیونالیست بودن مقوله و مفهومی فراتر از آن چیزی است که سران احزاب عشایریه اصطلاح، کرد تاکنونی خود را با آن تعریف میکنند. آنها میخوانند تا از این طریق حاکمیت ننگین دوباره خود را که همانا مناسبات منقرض شده فئودالی باشد، به شیوه دیگری مردم ستمدیده کردستان اعمال کنند. رواج پدیده ی فدرالیسم و قوم پرستی توسط سرمایه داری غرب نسخه دیگریست در دست کاسه لیسانش در منطقه و خصوصاً در کشورهای عراق، ایران و یا کشورهایی که در حال انقلاب و تغییرند. این پروژه وصله نامناسب، ابزار و سلاح زنگ زده علیه بشر متمدن و خواهان رهایی و به پاخواستار است که با خواست و مطالبات مردم و یک جامعه در تضاد است. خواست مردم مبارز کردستان حق برخورداری از تمام امکانات رفاهی، آزادیهای فردی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بطور بی قید و شرط و به رسمیت شناسی این حق به مفهوم متساوی الحقوق بودن با سایر شهروندان جامعه است که مبرم ترین مطالبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن بلحاظ طبقاتی و در قالب جنبش اعتراض اجتماعی بطور روزمره مطرح است.

جدای از این دیدگاه، خصلت مبارزه مردم، توقع بجا و دفاعیه کامل از کرامت انسانی هر فرد در جامعه است. این همان پایه های مبارزه طبقاتی هستند. مبارزه مردم در کردستان ایران، عراق، ترکیه و اکنون سوریه، با حقه های سیاسی و احساسی در قالب ابزارهای گوناگون توسط دولتهای غربی و احزاب مزدوراز جانب فودالهای

لیبرال شده کرد، دو دنیا و دو رویکرد متفاوت هستند. ما مردم کردستان علیه این معامله سوداگرانه سیاسی در به قهقرا بردن جایگاه و موقعیت انسانیمان هستیم.

بی خاصیت بودن احزاب عشایرکرد، بیش از سی سال مبارزات در کردستان ایران، عراق و همچنین ترکیه و اکنون سوریه، بر کسی پوشیده نیست. این همانند سرمایه و ابزار کاری است که در اختیار ویا در تملک سرمایه داران است و توسط این تقسیم ضد انسانی ثروت میلیاردها انسان راتحت استثمار و بهره کشی قرار می دهد. آیا این نشان از شعور ویا بر حق بودن این معامله ناعادلانه است؟ مقوله رهبران کذایی و سر دارعشیره هاهم در قالب این فرمول می گنجد! در فاصله این سه چهارده گذشته تا بحال ما شاهد دهها هزار تضاهرات، راهپیمایی، اعتراضات، اعتصابات، آکسیون و جنگ خیابانی بوده ایم. به خاطر همین حرکتهای انقلابی و نقش بر جسته مردم و حضور منسجم و متشکل آنها در جنبشهای کارگری، زنان، دانشجویان و کودکان و... در سطح وسیعی بصورت مستمر در جریان بوده است. رهبران عشایر در این فاصله مگر برای تکمیل کردن اخبار روزنامه و تلویزیون هایشان اسمی از آنها برده باشند. میتوانی با استناد به این تاریخ واقعی و پراز کشمکش طبقاتی نداشتن کوچکترین نقش این قبایل را شاهد باشید. در این چند دهه مبارزات مردم در کردستان به نسبت سایر مناطق دیگر و در پیوند با جنبش انقلابی و سراسری درس گرفته و از نظر سیاسی و اجتماعی منظم و متشکل تر گشته است. قطعنامه های مکتوب در این

مدت که به مناسبتهای گوناگون تصویب شده اند بهترین گواه بر بی ربطی احزاب و جریانات عشیره ای ناسیونالیست نسبت به سرنوشت جامعه کردستان می باشد. در تاریخ مبارزاتی مردم هیچ حرکت و مبارزهای بخاطر خود مختاری یا حتی حق تعیین سرنوشت ویا اختلاف مذهبی و زبان و غیره نتوانسته است همانند امروز از خواست و مطالبات انسانی و رادیکال و چپ خود را نشان دهد. مردم به مناسبتهای گوناگون و در جنبشهای اعتراضی مختلف دارند سازمان یافته عمل می کنند تا به مطالبات روز مره و برحق خود و در همسرنوشتی با مبارزات سراسری، مسایل خود را پیش ببرند. مردم کردستان در چهار کشور مجاور خواهان آزادی و برابری حقوق سیاسی، اجتماعی و انسانی خود هستند. آنان نسبت به حکومتهای دیکتاتور و تلاش برای بزرگشیدنشان همراه با دیگرهم نوعان خود خستگی ناپذیر درگیریک مبارزه روزمره و همیشگی بوده اند. در کردستان ایران مردم بمدت سی سال، سرکوب هارترین رژیم دنیا را لمس کرده و هنوز تسلیم نشده است، نشان از پیوند عمیق و ناگسستنی با مبارزات سراسری در سطح ایران دارد. جمهوری اسلامی در اوایل بقدرت رسیدنش تلاش کرد تصویر دیگری از مردم مبارز و انقلابی کردستان را در افکار عمومی کشور جا بیااندازد اما اکنون مردم منتصب به ملیتهای مختلف در سراسر کشور بر خلاف آنچه که حاکمیت می خواست بقبولاند به مردم و مبارزات شان در کردستان نگاه می کنند تا جاییکه در حال حاضر یک رابطه اجتماعی و طبقاتی در سطح سراسری دارد شکوفا می شود که دشمن مشترک خود را جمهوری

## غالب حسینی فعال کارگری در سندج با قرار وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی آزاد شد

بنا به خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است روز دوشنبه ۲۳ اردیبهشت غالب حسینی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری با وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی از زندان مرکزی سندج آزاد شد. غالب حسینی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی، روز ۲۹ اسفند ساعت ۱۲ ظهر در ارتباط با هشت مارس روز جهانی زن در شهر سندج، توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی در محل کارش دستگیر شد.

کمیته کردستان حزب کمونیست آزادی غالب حسینی را به او، خانواده، بستگان

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ مه ۲۰۱۳

۲۳ اردیبهشت ۹۲

اسلامی می داند. در این میان، نه ناسیونالیست عظمت طلب ایرانی و نه نوع کردی و ترکی... که یکی از پروژه های ضد هویت انسانی غرب، خصوصاً آمریکا به نام فدرالیسم قومی که خود بذر نفاق بین انسانهاست، در برابر عظم و اراده سیاسی مردم ایران ناکام و تاکنون سیاستهایش برای اجرا و پیاده کردن نتوانسته جامه عمل بخود بپوشاند. در این مدت ۳۴ سال نه در میان مردم ایران و نه آن شخصیتهای در آب نمک نگه داشته شده درون حاکمیت، از نوع اصلاح طلب و سبز و سلطنت طلب بیرون... نتوانسته به عنوان بدیل و جایگزین به مردم انقلابی ایران تحمیل کند. بنا بر این انقلاب ایران توسط مردم صورت خواهد گرفت وحد اقل پرچمدار تحولات سیاسی در خاور میانه خواهد شد. این بزرگترین خطر برای سرمایه داری منطقه خواهد بود. بد شانس غرب از اینجا ناشی شده که ایران مرکز

چپ و کمونیسم دنیا شده و به همین خاطر قابل قیاس با راست ترین جریانات از احزاب ناسیونالیست کرد گرفته تا چپ ترین فرقه های عراق و افغانستان نیستند. به استناد به این تاریخ درخشان و بر مبنای این فاکتورها، از جلال طالبانی و مسعود بارزانی نوع دومی از عبدالله مهتدی و عمرایلخانی زاده ها و یامصطفی هجری و عبدالله حسن زاده ها ساخته نمی شود! چون دنیا متحول شده و امروز جنبش %۹۹ و شورش گرسنگان تمام معادلات دنیای ۱۰ سال پیش را بهم ریخته است. در نتیجه با قدرت اراده شوراهای کارگری و مردم کردستان فردای بعد از جمهوری اسلامی نیروی نظامی و سرکوبگر احزاب و عشایری که ذکرشان رفت در برابر حرکت توده میلیونی مردم بی خاصیت خواهند بود.

\*\*\*

تلفن و ای مایل آدرسی تماس با سر دبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری

<http://hekmat.public-archive.net/>

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!